

Meta-analysis of Social Capital Studies in Martyr Foundation and Veterans' Affairs

ARTICLE INFO

Article Type

Case Report

Authors

Sobhani B.* *PhD*,
Hosseini Motlaq S.M.¹ *PhD*

How to cite this article

Sobhani B, Hosseini Motlaq S M. Meta-analysis of Social Capital Studies in Martyr Foundation and Veterans' Affairs. *Iranian Journal of Isaar Studies*. 2017;1(3):115-126.

ABSTRACT

Aims One of the research topics considered at the martyr foundation and veterans' affairs is social capital. The aim of this study was to meta-analytically examine the social capital research in the Iranian martyr foundation and veterans' affairs.

Materials & Methods In the present review research, 7 research studies, conducted on the social capital of employees and individuals supported by the martyr foundation and veterans' affairs, were examined by the qualitative meta-analysis method.

Findings Regarding knowledge, social trust, and norms, the results of the foundation's research studies were in line with general research studies. The low level of trust in society, the decrease in the level of social relations with the neighboring system and kinship system, the low level of institutional trust, especially trust in political and governmental actors, and the low level of social participation of young people did not have a significant difference with the normal society. Regarding the formal partnership and institutional trust, the mean scores of the target community in foundation were higher than the general level, and in the case of communication networks and informal support, the mean scores of the target community in foundation were lower than the general level.

Conclusion The social capital of individuals supported by the foundation is consistent with general research in the components such as knowledge, social trust, and norms. Also, the low level of trust in society, the decrease in the level of social relations with the neighboring system and kinship system, the low level of institutional trust, especially trust in political and governmental actors, and the low level of social participation of young people did not have a significant difference with the normal society. Formal partnership and institutional trust of the target community in the foundation is higher than the general level and communication networks and the informal support of the target community is lower than the general level.

Keywords Social Capital; Social Trust; Meta-Analysis

CITATION LINKS

[1] Conceptual Framework and Conceptualization of Social Capital [2] Social capital: Trust, democracy and development [3] Equality and Achievement in Education [4] Social capital and social health, concepts and approaches [5] Making Democracy Work: Civic traditions in modern Italy [6] The end of the order [7] Social capital, concepts and models of measurement [8] Social Capital: A theory of social structure and action [9] A comparative study on cyber social capital in Persian, English and French speaking users of Facebook and Google plus [10] Social traps and the problem of trust [11] Dimensional Approach to Measuring Social Capital: Development and validation of a Social Capital Inventory [12] Social Capital: Its origins and applications in modern sociology [13] Formation of social capital and meta-analysis of the factors affecting it [14] Meta-analysis of social capital studies in Iran [15] Meta-analysis of gender studies and researches and social capital [16] Considerations and Strategies of Enhancing Social Capital [17] Meta-analysis of poverty in social science research in Iran [18] An introduction to meta-analysis (Looking at the meta-analysis capability in social science research in Iran) [19] Qualitative research method (Anti-method) [20] Study of social capital and its components among martyr families in Mazandaran province [21] Social capital and its impact on political participation [22] A comparative study on the social capital in martyr and veteran families with normal families and its effective factors in Golestan province [23] Comparison of the social capital of the staff of the Foundation and the affairs of the veterans and employees of the Ministry of Health and Medical Education [24] Social Capital and Its Influence on the Life of Martyrs' Families in Kermanshah [25] Study of the Relationship between Social Capital and Quality of Life [26] The role of intellectual capital and social capital in organizational performance: General Directorate of the Martyr Foundation and the Affairs of the Great Tehran

*Social Welfare Department, Social Science Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

¹Social Welfare Department, Social Science Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Correspondence

Address: Social Science Faculty, Gol Nabi Street, Dr. Shari'ati Street, Tehran, Iran

Phone: +98 (21) 77260933

Fax: +98 (21) 77260933

bsobhanib@gmail.com

Article History

Received: May 12, 2017

Accepted: August 21, 2017

ePublished: September 5, 2017

فرا تحلیل پژوهش‌های سرمایه اجتماعی در بنیاد شهید و امور ایثارگران

بهمن سبحانی * PhD

گروه رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

سیدمستجد حسینی مطلق PhD

گروه رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

اهداف: یکی از موضوعات پژوهشی که در بنیاد شهید و امور ایثارگران مورد توجه قرار گرفته است سرمایه اجتماعی است. هدف از این مطالعه، بررسی فراتحلیلی پژوهش‌های سرمایه اجتماعی در بنیاد شهید و امور ایثارگران ایران بود.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش مروری، هفت مورد پژوهش که با موضوع سرمایه اجتماعی کارمندان و افراد تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران انجام شده بود، به روش فراتحلیل کیفی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: در خصوص آگاهی و اعتماد اجتماعی و هنجارها، نتایج پژوهش‌های بنیاد با پژوهش‌های عمومی همسو بود. سطح اندک اعتماد به جامعه، کاهش سطح روابط اجتماعی با نظام همسایگی و نظام خویشاوندی، سطح نازل اعتماد نهادی به خصوص اعتماد به کنشگران سیاسی و دولتی، و پایین بودن سطح مشارکت اجتماعی جوانان تفاوت معنی‌داری با جامعه عادی نداشت. در مورد مشارکت رسمی و اعتماد نهادی، میانگین نمرات جامعه هدف بنیاد بالاتر از سطح عمومی، و در مورد شبکه‌های ارتباطات و حمایت غیررسمی میانگین نمرات جامعه هدف بنیاد پایین‌تر از سطح عمومی بود.

نتیجه‌گیری: سرمایه اجتماعی افراد تحت پوشش بنیاد در مولفه‌های آگاهی و اعتماد اجتماعی و هنجارها با پژوهش‌های عمومی همسو است. همچنین سطح اندک اعتماد به جامعه، کاهش سطح روابط اجتماعی با نظام همسایگی و نظام خویشاوندی، سطح نازل اعتماد نهادی به خصوص اعتماد به کنشگران سیاسی و دولتی، و پایین بودن سطح مشارکت اجتماعی جوانان تفاوتی با جامعه عادی ندارد. مشارکت رسمی و اعتماد نهادی جامعه هدف بنیاد بالاتر از سطح عمومی و شبکه‌های ارتباطات و حمایت غیررسمی جامعه هدف بنیاد پایین‌تر از سطح عمومی است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، فراتحلیل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۳۰

*نویسنده مسئول: bsobhanib@gmail.com

مقدمه

امروزه در جریان توسعه جوامع، در کنار انواع سرمایه اعم از طبیعی، انسانی و مادی، سرمایه اجتماعی برون‌داد و درون‌داد توسعه به‌شمار می‌آید و این اندیشه که سرمایه اجتماعی اکسیر و درمان‌بخش بسیاری از دردهای جامعه است، جذابیت زیادی دارد. سرمایه اجتماعی پاسخی به این پرسش قدیمی است که در علوم اجتماعی امروزی نیز محوری بودن خود را حفظ کرده است. از چه روی آدمیان گرد هم می‌آیند و علی‌رغم منافع متضاد، در سطحی وسیع‌تر منافع مشترک پیدا می‌کنند و انواع گروه‌بندی جمعی را شکل می‌دهند و برای حفظ آن به جان می‌کوشند؟؛ به دیگر سخن "چه چیزی جوامع را سرپا نگاه می‌دارد و آدمیان را به کنش و واکنش آن هم برای فضیلت‌ها یا خیر عمومی و جمعی سوق می‌دهد؟"^[۱] این نکته در مقدمه بسیاری از پژوهش‌ها مورد تأکید قرار گرفته است و به عناوین مختلف بررسی شده است. در واقع، در چند دهه اخیر مفهوم سرمایه اجتماعی توجه پژوهشگران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را در حوزه‌های مختلف نظیر رفاه و آموزش و غیره، به خود جلب کرده است. با یک جستجوی ساده در پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (www.sid.ir) مشخص شد که

فقط در ایران ۷۱۲ مقاله علمی-پژوهشی با موضوع سرمایه اجتماعی به زبان فارسی ثبت شده است (آمار به‌روزر شده در ۱۳۹۶/۰۵/۲۵) که نشان‌دهنده اهمیت پژوهشی و کاربردی این مفهوم و نیز اقبال پژوهشگران حوزه‌های مختلف علوم انسانی به آن است.

بنیاد شهید و امور ایثارگران به‌عنوان یکی از نهادهای خدماتی و فرهنگی کشور، با خانواده‌های شهدا و مفقودین و جانبازان و آزادگان و خانواده‌های آنها ارتباط دارد. در واقع جامعه هدف این نهاد طیف وسیع و متنوعی از افراد و گروه‌های اجتماعی را شامل می‌شود که ویژگی‌ها و نیازهای گوناگونی دارند و خدمت شایسته به آنان نیازمند انجام پژوهش در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی آنها است. یکی از موضوعات پژوهشی که در بنیاد شهید و امور ایثارگران نیز مورد توجه است، سرمایه اجتماعی است. به طوری که در این رابطه چندین پژوهش انجام شده، اما واقعیت این است که یافته‌های پژوهشی تا زمانی که در عرصه عمل استقرار نیابد و عواید کوتاه‌مدت و بلندمدت آن نصیب اجتماع نشود، نمی‌تواند منشأ رفاه عمومی و تولید ثروت باشد. این امر را به مفهوم کاربست یافته‌های پژوهشی راهنمایی می‌کند. عمدتاً این نگرانی وجود دارد که پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص مسایل و مشکلات، گره‌گشای مشکلات موجود نبوده و همچنان بین مساله و حل مساله شکاف و فاصله‌ای زیاد وجود دارد. همچنین، پژوهشگران و محققانی که توجه خود را به تحلیل و بررسی علمی و پژوهشی مورد نظر مدیران معطوف کرده‌اند و دانش و توان خود را در فرآیند پژوهش به خدمت گرفته‌اند، از عدم کاربست مناسب یافته‌های پژوهشی گله‌مند بوده و در واقع نسبت به بهره‌گیری از محصول کار خود احساس نگرانی می‌کنند. با توجه به مطالب فوق، حسب دغدغه و اهمیت مدیران بنیاد شهید و امور ایثارگران راجع به کاربست یافته‌های پژوهشی، در این نوشتار برآنیم تا پژوهش‌های انجام‌شده با موضوع سرمایه اجتماعی را با روش فراتحلیل مرور کرده و نتایج آنها را در اختیار مدیران و تصمیم‌گیران قرار دهیم تا در سیاست‌گذاری‌های آتی مد نظر قرار دهند.

سرمایه اجتماعی همانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی، مفهومی سهل و ممتنع است، زیرا در منابع و پژوهش‌ها به معانی مختلفی به‌کار می‌رود و در نتیجه باعث تنوع تعریف می‌شود. از دلایل این امر می‌توان به در حال شکل‌گیری و مداوم بودن سرمایه اجتماعی و نیز تناقض‌های درونی این مفهوم اشاره کرد، به ویژه تناقضاتی که بین مصداق‌های آن وجود دارد نشان می‌دهد که هنوز در درک سرمایه اجتماعی و پاسخ به این پرسش که بالاخره چه چیزهایی سرمایه اجتماعی را می‌سازد، مشکلاتی وجود دارد. با این حال، نگاهی به مفهوم‌سازی‌های اندیشمندان این حوزه می‌تواند در درک مفهوم و توانایی تشخیص و انتخاب متغیرهای اصلی برای سنجش، مفید واقع شود.

بورديو به‌عنوان یکی از پیشگامان ادبیات سرمایه اجتماعی شناخته شده است. از نگاه بورديو سرمایه اجتماعی تحت تأثیر جایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد و سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و نمادین آنها شکل می‌گیرد و به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط را برای آشنایی و شناخت متقابل در اختیار داشته باشد. از این رو، سرمایه اجتماعی، ودیعه‌ای طبیعی یا حتی اجتماعی نیست، بلکه چیزی است که در طول زمان و با تلاش بی‌وقفه به‌دست می‌آید. وی در مورد حجم سرمایه اجتماعی تحت تملک یک فرد می‌نویسد که "این حجم به اندازه شبکه پیوند میان افراد و بیش از آن، به حجم سرمایه (اقتصادی، فرهنگی یا نمادین)

هنجارهای غیرمولد کمکی به ارتقای همکاری میان اعضای گروه نخواهد کرد؛ بنابراین، ممکن است در جامعه‌ای سرمایه اجتماعی و اعتماد متقابل را ببینیم، ولی هنجارهای اجتماعی قوی آن هم از نوع غیرمولد سرمایه اجتماعی وجود داشته باشد، مثل عدم اعتماد به دیگران. جامعه‌ای که افراد آن حتی نباید به پدر و مادر خود اعتماد کنند دارای یک هنجار غیرمولد سرمایه اجتماعی است [7].

لین یکی دیگر از متفکرانی است که مطالب متعددی در زمینه سرمایه اجتماعی و سنجش سرمایه اجتماعی از طریق مطالعه شبکه اجتماعی و روابط و تعاملات افراد مطرح کرده است. وی نظریه خود را در زمینه منابع اجتماعی و سرمایه اجتماعی تعبیه شده در شبکه‌های اجتماعی ارایه کرده است. لین منابع اجتماعی را منابعی تعریف می‌کند که از طریق جمع و ارتباطات و روابط اجتماعی قابل دستیابی هستند، برخلاف منابع دیگر مثل مادی، نمادین، شخصی و غیره که در مالکیت افراد قرار داشته و می‌توانند متعلق به فردی خاص باشند. او همچنین میان سرمایه اجتماعی فعال شده یا به حرکت درآمده و سرمایه اجتماعی در دسترس تمایز قایل می‌شود و اشاره می‌کند که "بحث من بر این قضیه تمرکز دارد که سرمایه اجتماعی از منابع تعبیه شده و قرار گرفته در درون شبکه‌های اجتماعی به دست می‌آید" [8]. به عقیده لین مفهوم قرار گرفته در پشت سرمایه اجتماعی بسیار ساده و صریح است، سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی به امید بازگشت‌های مورد انتظار (با هدف بازگشت، بازده، سود، نفع و غیره مورد انتظار) انجام می‌شود [9]. از نظر لین منابع ارزشمند در اکثر جوامع شامل ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی است و لذا سرمایه اجتماعی افراد را برحسب میزان یا تنوع ویژگی‌های دیگری که فرد با آنها پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم دارد قابل سنجش می‌داند. از نظر لین دو عنصر مفهومی و مهم سرمایه اجتماعی "منابع نهفته" و "موقعیت‌های شبکه‌ای" است و نتایج سرمایه‌گذاری‌های افراد در روابط و شبکه‌های اجتماعی در ارتباط با دو نوع کنش ابزاری و کنش‌های طبقه‌بندی می‌شود که برای کنش ابزاری سه نوع بازدهی اقتصادی (ثروت)، سیاسی (قدرت) و اجتماعی (شهرت) و در کنش‌های اجتماعی سرمایه ابزاری است برای تحکیم منابع و دفاع در برابر از دست دادن احتمالی منابع و به سه نوع بازدهی سلامت جسمانی، سلامت روانی و رضایت از زندگی اشاره می‌کند [9].

روستاین یکی دیگر از اندیشمندان علوم اجتماعی است که بر امر اعتماد و نقش آن در همکاری و مشارکت اجتماعی تأکید می‌کند. وی بر خلاف رابرت پاتنام اعتقاد دارد که سرمایه اجتماعی نه از چگالی و گستره شبکه‌های اجتماعی جامعه مدنی، بلکه از بالا و بر اثر اقدامات خاص دولت‌ها ایجاد می‌شود. او اینطور استدلال می‌کند که هنگامی که شرایط به سمت بی‌اعتمادی عام‌گرا سوق یابد، کنش‌گران به تدریج گرایش به اعتمادگرایی‌های خاص‌گرایانه پیدا می‌کنند. اگر مردم نتوانند به ادارات عمومی که باید براساس هنجارهایی همچون بی‌طرفی، عینیت و عدم فساد و تبعیض عمل کنند اعتماد داشته باشند، "به کل مردم" نیز نمی‌توانند اعتماد کنند و برعکس اگر شهروندان بدانند که این نهادها به طور منصفانه و کارآمد عمل می‌کنند، می‌توانند باور کنند که شانس فرار افراد خائن و غیرقابل اعتماد از چنگال قانون کم است. در نتیجه شهروندان به این نتیجه می‌رسند که مردم دلیل خوبی برای اجتناب از این‌گونه رفتارها دارند و بنابراین بیشتر مردم قابل اعتماد هستند [10]. لذا ایده‌ای که روستاین پیش می‌نهد، نقش گسترده دولت و جایگاه آن در تضمین خیر جمعی را طلب می‌کند. براساس این نظریه

در تصرف افراد مرتبط با شخص وابسته است [2]. به عبارت دیگر، حجم سرمایه اجتماعی یک فرد هم از سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی خود او متأثر است و هم از سرمایه‌های مورد تملک دیگران که شخص با آنها در تعامل و رابطه‌ای پایدار است. نتیجه و پیامد این تعامل و رابطه ایجاد همبستگی گروهی است که خود به حصول منافع‌های فردی منجر می‌شود. در واقع، سرمایه اجتماعی، در معنایی عام، نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی است که با بازده مورد انتظار تعریف می‌شود.

کلمن سرمایه اجتماعی را منبعی برای کنش افراد می‌داند. برای مثال، گروهی از افراد که واقعاً به یکدیگر اعتماد دارند، در قیاس با گروهی که فاقد چنین اعتمادی بین خود هستند، از قوای همکاری بیشتری با یکدیگر برخوردار هستند [3]. بنابراین، از نظر وی، سرمایه اجتماعی شامل چهارچوبی اجتماعی است که موجب تسهیل روابط افراد درون آن چهارچوب می‌شود. به بیان موسوی و شیانی آنچه مد نظر کلمن است هنجارها و ارزش‌های خود افراد نیست، بلکه آن دسته از هنجارها و ارزش‌هایی است که در قالب منابع معین در اختیار افرادی قرار دارد که از شرایط اجتماعی (بستر اجتماعی) مورد نظر بهره‌مند هستند [4]. برای مثال، هنجارهایی مانند اعتماد و دادوستد متقابل که از ویژگی‌های گروه خاصی از بازرگانان است، تجارت میان آنان را تسهیل خواهد کرد؛ اما این هنجارها الزاماً وارد شرایط یا بستر اجتماعی دیگری نخواهند شد.

دیگر اندیشمندان معروف این حوزه پاتنام است. وی سرمایه اجتماعی را آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد تعریف می‌کند که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای موثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب کنند [5]. به نظر وی سرمایه اجتماعی درون یک فرد یا سازمان اجتماعی نیست، بلکه در فضای ارتباطی بین افراد وجود دارد. در واقع، پاتنام مفهوم سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار گرفت و به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح منطقه‌ای، ملی و نوع تأثیر سرمایه اجتماعی بر نهادهای دموکراتیک و در نهایت توسعه اقتصادی علاقه‌مند بود. او برای فهم و ارزیابی سرمایه اجتماعی به چهار وجه تمایز که شامل سرمایه اجتماعی رسمی در مقابل غیررسمی (انجمن‌ها یا مهمانی‌های دوره‌ای)، سرمایه اجتماعی متراکم در مقابل سرمایه اجتماعی پراکنده و ضعیف، سرمایه اجتماعی درون‌نگر در مقابل سرمایه اجتماعی برون‌نگر (بر حسب اختصاص منافع به افراد غیرعضو یا عموم مردم) و در نهایت سرمایه اجتماعی محدود (بین افراد شبیه به هم از نظر قومیت، سن و غیره) در مقابل اتصال (بین افراد غیرمشابه) بوده، اشاره کرده است [2]. فوکویاما نیز، مانند پاتنام، سرمایه اجتماعی را در سطح کلان بررسی کرده است. از نظر او صرف وجود هنجارهای اجتماعی جاافتاده، سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی‌دهد، بلکه آنها باید به همکاری در گروه‌ها منجر شوند و بنابراین با ارزش‌های معنوی سنتی همچون صداقت، پایبندی به تعهدات، عملکرد قابل اطمینان در انجام وظایف، رابطه متقابل و نظایر آن مرتبط هستند. او سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی دانسته است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه شده و موجب پایین آمدن هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود [6]. او هنجارهای اجتماعی را به دو بخش هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی و هنجارهای غیرمولد تقسیم کرده است. هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی به ارتقای همکاری میان اعضای گروه منجر می‌شود و اساساً شامل سجایایی چون صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه هستند؛ اما

دسته منفی و مثبت جای داد. کنترل اجتماعی، حمایت خانوادگی و خویشی، منافع ناشی از شبکه‌های فراخانوادگی، کارآمدی سازمان‌های دموکراتیک از جمله پیامدهای مثبت و طرد اجتماعی بیرونی‌ها، مطالبات زیاد از اعضای گروه، محدودیت آزادی فرد جز پیامدهای منفی سرمایه اجتماعی برشمرده شده‌اند^[4].

مساله مهم دیگر در این بحث، موضوع سنجش سرمایه اجتماعی است. به‌منظور سنجش سرمایه اجتماعی رویکردهای متفاوتی وجود دارد؛ در رویکرد اول واژه کلیدی اعتماد است، به همین دلیل میزان اعتماد و نیز مشارکت افراد در فعالیت‌های مدنی و انجمن‌های داوطلبانه مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی هستند و رویکرد دوم بر این باور است که به خاطر کیفی بودن سرمایه اجتماعی سنجش آن بسیار دشوار بوده و برای اندازه‌گیری آن می‌توان از متغیرهایی چون جنایت، فروپاشی خانواده، میزان طلاق، اعتیاد، خودکشی، طرح دعوی و دادخواهی، فرار از پرداخت مالیات، کودک‌آزاری و غیره استفاده کرد^[5]. در هر صورت، اغلب مدل‌های ارائه شده را می‌توان در دو دسته مدل‌های کیفی و کمی طبقه‌بندی کرد.

الف) مدل CRLRA که توسط فالک و کیلپاتریک ارائه شده و سرمایه اجتماعی را در سه سطح خرد، میانی و کلان مورد بررسی قرار می‌دهد و مدل SCAT که گرایش به تحلیل سرمایه اجتماعی در سطح سازمانی دارد و برای اولین بار توسط تبین و هیگسی ارائه شده و سپس توسط کریشنا و شریدر توسعه داده شد که در آن سرمایه اجتماعی به دو سطح کلان و خرد تقسیم شده است، از جمله مدل‌های کیفی مورد استفاده در سنجش سرمایه اجتماعی هستند^[7].

ب) گرچه هنوز مدل کمی مناسبی برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی ارائه نشده است و این امر ناشی از پیچیدگی مفهوم سرمایه اجتماعی است، ولی برخی از صاحب‌نظران بیشتر گرایش به توضیح مفهومی و تأثیرات اقتصادی آن از جهت کاهش هزینه‌های تعاملات اجتماعی و اقتصادی دارند؛ بنابراین با ارائه الگوهایی سعی دارند با استفاده از شیوه خودتحلیلی کمی به اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی بپردازند. در اینجا به توصیف یکی از این مدل‌ها اکتفا می‌شود.

طبق این مدل میزان سرمایه اجتماعی تابعی از مجموع ارزش منابع در اختیار اعضای شبکه ضرب در احتمال اینکه این اعضا منابع را در اختیار فرد قرار دهند (در صورتی که فرد به این منابع محتاج باشد) است. $S_i E_A C = \sum V_i P_i$

در اینجا، میزان سرمایه اجتماعی قیدشده در فرمول فوق، به سه عامل تعداد اعضای موجود در شبکه، احتمال واگذاری منابع در اختیار اعضای موجود در شبکه و میزان ارزش منابع در اختیار اعضای موجود در شبکه بستگی دارد؛ به عبارت دیگر، هرچه شبکه گسترده‌تر و وسیع‌تر باشد، سرمایه اجتماعی تقویت می‌شود و هرچه شبکه محدودتر باشد، سرمایه اجتماعی تضعیف می‌شود. همین‌طور هرچه میزان ارزش منابع و احتمال واگذاری منابع افزایش یابد، مقدار سرمایه اجتماعی به شکل تصاعدی افزوده می‌شود^[7].

الگوی مبتنی بر پژوهش‌های پیمایشی یکی دیگر از تلاش‌ها برای سنجش کمی مفهوم سرمایه اجتماعی است که به طور گسترده‌ای در سراسر جهان کاربرد دارد. در این الگو سعی بر این است که براساس پژوهش‌های پیمایشی، اطلاعات لازم درباره میزان سرمایه اجتماعی یک جامعه مبتنی بر میزان اعتماد موجود بین اعضای یک سیستم اجتماعی و تمایل آنها به قرارگرفتن و مشارکت در

توسعه مشارکت و همکاری اجتماعی بین مردم، برعکس آنچه تصور می‌شود به عدم دخالت دولت در بازار بستگی ندارد بلکه به دولتی قوی، فراگیر و قابل اعتماد وابسته است.

در مجموع می‌توان گفت اندیشمندان برحسب دیدگاه‌های خود تعاریف مختلف (و نه متناقضی) از سرمایه اجتماعی ارائه داده‌اند که می‌توان از جهات مختلف آنها را دسته‌بندی کرد. از جمله می‌توان به تلاش‌های نارایان و کسیدی^[11] و پیران و همکاران^[1] اشاره کرد. یکی از این دسته‌بندی‌ها که با موضوع پژوهش حاضر همخوانی بیشتری دارد، مفاهیم به‌کار رفته در تعاریف سرمایه اجتماعی را به شرح زیر طبقه‌بندی مجدد کرده است.

۱) قالب یا چهارچوبی که سرمایه اجتماعی به‌عنوان فرآیندی اجتماعی در درون آن موضوعیت می‌یابد (ساختار اجتماعی، شبکه و شبکه‌های اجتماعی، سازمان اجتماعی، نهادها و سازمان‌های داوطلبانه، اجتماع محلی، جامعه مدنی، طبقه اجتماعی، خانواده، واحد همسایگی، بازار)؛

۲) مقوله‌هایی که به سرمایه اجتماعی نظم می‌دهند و آن را قاعده‌مند می‌کنند (ارزش‌ها، هنجارهای غیررسمی، قانون، کنترل اجتماعی و چشم‌داشت‌های اجتماعی یا انتظارات)؛

۳) محمل‌های مشخص بالقوه حاوی سرمایه اجتماعی (دوستی، همسایه‌بودن، آشنایان، آشنایی، همکاران، عضویت، شهروندی و شهروندان، جذب و جذب دوسویه، نفوذ، علاقه‌مندی، سرمایه طبیعی یا فیزیکی، سرمایه مالی-اقتصادی، سرمایه انسانی، دارایی، احترام و احترام متقابل، حمایت و حمایت متقابل)؛

۴) پیش‌شرط‌های ضروری برای وقوع سرمایه اجتماعی (روابط یا کنش‌های اجتماعی، مبادله اجتماعی، بده‌وپستان اقتصادی، نیت و قصد خیر، روابط رفت و برگشتی یا دوسویگی، همبستگی و مشارکت، عامل یا کنش‌گر، اعتماد و فرهنگ اعتماد، مدارا، منابع فرصت و دسترسی)؛

۵) نتایج و آثار سرمایه اجتماعی (کارایی، مبادله منافع و نفع‌بری، تیمارگری، فایده و نفع جمعی، اطلاعات و مبادله اطلاعات، توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی، اعتماد، حل مشکلات، افزایش همبستگی و انسجام اجتماعی، افزایش علاقه و پیوند میان‌فردی، رشد اقتصادی و تضمین منافع)؛

۶) موانع و زیان‌های سرمایه اجتماعی (تبعیض و نابرابری، هزینه و هزینه اجتماعی).

به طور خلاصه می‌توان گفت از یک‌سو، انعطاف مفهوم سرمایه اجتماعی تحلیل‌ها و برداشت‌های متفاوتی را ایجاد کرده است و از سوی دیگر، وسعت و گستردگی دامنه مفاهیم و مولفه‌های آن کاربرد زیادی در شاخه‌های مختلف علوم انسانی یافته است. به هر حال، در اهمیت و تأثیرگذاری آن بر زندگی فردی و اجتماعی آحاد جامعه تردیدی نیست؛ کما اینکه، اندیشمندان مختلف آن را در سه سطح خرد، میانی و کلان بررسی کرده‌اند. مساله مهم این است که سرمایه اجتماعی توأمان دارای کارکردها و پیامدهای مثبت و منفی است؛ یعنی می‌تواند به‌عنوان یک تیغ دو لبه عمل کند. به نظر کلمن سرمایه اجتماعی به لحاظ هنجاری و اخلاقی خنثی است، یعنی نه مطلوب است و نه نامطلوب و صرفاً با فراهم کردن منابع لازم، فراهم‌کننده وقوع کنش‌ها است^[3]. پورترس نیز در مورد کاربرد خوش‌بینانه سرمایه اجتماعی و معرفی آن به‌عنوان کلید گمشده مشکلات جامعه هشدار می‌دهد^[12]. از نظر فوکویاما مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به‌خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌شود، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشند^[6]. بنابراین، کارکردهای سرمایه اجتماعی را می‌توان در دو

پژوهش‌های، اعتماد انتزاعی یا نهادی شاغلین را کمتر نشان داده‌اند. سطح درآمد و پایگاه اقتصادی نیز با اعتماد در اشکال مختلف مورد اشاره رابطه منفی دارد به گونه‌ای که افراد با درآمد بیشتر از اعتماد کمتری در اشکال گوناگون آن برخوردار هستند. افرادی که زادگاه آنان در شهرستان‌ها یا روستاها بوده است از سطح اعتماد بیشتری برخوردار بوده و سطح توسعه‌یافتگی با اعتماد در برخی از پژوهش‌های رابطه عکس داشته است.

معمولاً مردان مشارکت‌های رسمی بیشتری دارند که ناشی از اشتغال آنان است و در برخی از مشارکت‌ها مانند انجمن خانه و مدرسه یا اولیا و مربیان مشارکت زنان بیشتر است. متاهلین به‌غیر از برخی فعالیت‌ها مانند پایگاه بسیج، انجمن‌های ورزشی و تفریحی، ادبی و هنری و انجمن‌های علمی در سایر فعالیت‌ها مشارکت بیشتری دارند. به لحاظ پایگاه اقتصادی و درآمدی مشارکت‌های رسمی به جز مشارکت در بسیج بین کسانی که از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردارند بالاتر است. همچنین، مشارکت رسمی افرادی که اقامت طولانی‌تری در شهر و محل دارند، بیشتر است.

سیاهپوش در پژوهشی با عنوان فرا تحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران، با روش فرا تحلیل کیفی به بررسی ۶۱ پژوهش انجام‌شده با موضوع سرمایه اجتماعی پرداخته است^[14]. وی با جمع‌بندی یافته‌های پژوهشی پیشین و بهره‌گیری از مقیاس لیبرت، معیارهای زیر را در مورد توصیف وضعیت سرمایه اجتماعی در هرکدام از ابعاد آن به‌کار گرفته که بالای ۸۰٪ وضعیت بسیار مطلوب یا بسیار بالا، بین ۶۰ تا ۷۹٪ وضعیت مطلوب یا بالا، بین ۴۰ تا ۵۹٪ وضعیت متوسط، بین ۲۰ تا ۳۹٪ وضعیت نامطلوب یا پایین و زیر ۲۰٪ وضعیت بسیار نامطلوب یا خیلی پایین، بیان شده است.

نتایج پژوهش در مورد هرکدام از ابعاد سرمایه اجتماعی به شرح زیر گزارش شده است. میزان اعتماد به خانواده و اقوام درجه یک بسیار بالا است و در مجموع بیشتر پژوهش‌های نشان‌دهنده اعتماد متوسط رو به بالا به اقوام و خویشان بوده‌اند. میزان اعتماد به دوستان و آشنایان در حد بالا یا متوسط بوده و میزان اعتماد مردم به همدیگر در حد متوسط بوده است. در مجموع هرچه نسبت فامیلی و خویشاوندی کمتر و میزان ارتباطات کاهش می‌یابد به همان میزان از اعتماد کاسته می‌شود. میزان اعتماد به معلمان، اساتید دانشگاه، پزشکان و ورزشکاران بالا؛ به کارکنان ارتش، راهنمایی و رانندگی و سایر کارکنان نیروی انتظامی، دانشجویان، کارگران، هنرمندان، روحانیون، داروسازان، مدیران انتظامی و امنیتی متوسط؛ به روزنامه‌نگاران، مدیران دولتی و رانندگان تاکسی، مهندسان کشاورزی، وزرا و هیات دولت، مهندسان صنایع غذایی، مدیران صنعتی، مهندسان راه و ساختمان، سیاستمداران و دیپلمات‌ها، مهندسان فنی (اتومبیل‌سازی)، نمایندگان مجلس و اقتصاددانان پایین و به کسبه، تجار و بازاریان، بنگاهداران مسکن و ماشین خیلی پایین بوده است.

بانک‌های دولتی، کمیته امداد امام خمینی^(۹)، اداره پست، دانشگاه‌های دولتی، کتابخانه‌های عمومی، مدارس دولتی، صدا و سیما و آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای اعتماد بالایی را کسب نموده‌اند، در حالی که اعتماد به کلانتری (نیروی انتظامی)، اداره راهنمایی و رانندگی، پایگاه‌های بسیج، تامین اجتماعی و خدمات درمانی، مراکز ثبت اسناد، انجمن‌های خیریه، درمانگاه‌ها و مراکز بهداشتی، اداره برق و سازمان تبلیغات اسلامی در حد متوسط گزارش شده و نهادهایی چون فرمانداری و بخشداری، صندوق‌های

نهادهای مدنی اندازه‌گیری شود.

لازم به ذکر است که بیشتر پژوهش‌های اجتماعی انجام شده در ایران، با استفاده از الگوی پژوهش‌های پیمایشی به انجام رسیده است که علی‌رغم ارایه اطلاعات و داده‌های مفید در حوزه‌های گوناگون دارای محدودیت‌هایی نیز بوده‌اند که به‌منظور بهره‌برداری بهتر و دستیابی به نتایج متنقن و قابل اتکا انجام فراتحلیل‌های مختلف را الزامی می‌سازد.

ناطبق‌یور و فیروزآبادی در پژوهشی با عنوان شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و فراتحلیل عوامل موثر بر آن که جز اولین فراتحلیل‌های انجام‌شده در مورد سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود، ۲۲ مورد از پژوهش‌های قبلی راجع به سرمایه اجتماعی در ایران را با روش فراتحلیل کیفی بررسی کردند^[13]. یافته‌های آنان نشان داد که متغیرهای موثر بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و عناصر تشکیل‌دهنده این مفهوم در پژوهش‌های مختلف اثرات گوناگونی داشته‌اند؛ به گونه‌ای که در برخی از پژوهش‌های متغیرهای یکسان روی یک متغیر مشخص اثرات مثبت، منفی داشتند یا فاقد رابطه بودند که البته این امر ممکن است به دلایل گوناگونی باشد که از جمله آنها می‌توان به زمان‌های متفاوت اجرای پژوهش، جوامع آماری گوناگون، شیوه‌ها و روش‌های متفاوت عملیاتی‌نمودن مفاهیم یا نمونه‌گیری اشاره کرد.

آگاهی یا شناخت، نسبت به حوزه‌های عمومی اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی، تاریخی و دنبال کردن اخبار سیاسی کشور، دسترسی به اینترنت یا مطالعه روزنامه و مجله، در مجموع در سنین بالاتر (به جز دسترسی به اینترنت) و بین مردان، متاهلین، افراد دارای تحصیلات بالاتر، شاغلین و افراد دارای درآمد بالاتر، از میزان بیشتری برخوردار بود. اعتماد در سطوح فردی، عمومی، انتزاعی یا نهادی و احساس امنیت از یک‌طرف و احساس عمومی نسبت به مردم از جنبه‌های دورویی، تقلب، صداقت و راستگویی، انصاف، گذشت، پایبندی به قول و قرار که جنبه‌های دیگری از اعتماد را تشکیل می‌دهند نیز در پژوهش‌های مختلف با متغیرهای مورد بررسی روابط گوناگونی داشتند و معمولاً در سنین بالاتر اعتماد عمومی و متقابل و احساس امنیت بیشتری وجود داشت، ضمن اینکه اعتماد در سطح فردی شامل اعتماد به اعضای خانواده و اقوام و خویشان در سنین بالاتر بیشتر است.

در بیشتر پژوهش‌های جنسیت با انواع اعتماد و عناصری که در بالا اشاره شد رابطه معنی‌دار نداشته است و در برخی از پژوهش‌های مردها از سطح بیشتری از اعتماد اجتماعی و اعتماد به اشخاص، رسانه‌ها، کالاهای فرهنگی و رسانه‌های چندگانه برخوردار بودند و اعتماد بنیادی، انتزاعی یا نهادی، احساس امنیت و باور به دورویی و همچنین راستگویی مردم، بین زنان از مردان بیشتر بود. متاهلین از میزان بیشتری از اعتماد در همه اشکالی که اشاره شد برخوردار بودند. در زمینه سطح تحصیلات و رابطه آن با اعتماد در برخی از جنبه‌ها مانند اعتماد به اعضای خانواده و دوستان با سطح تحصیلات رابطه مثبتی برقرار بود، اما در مجموع عناصر اعتماد که اشاره شد، بین بی‌سوادان بیش از افراد تحصیل کرده است و با افزایش سطح تحصیلات از میزان آن کاسته می‌شود و در پیمایش‌های ملی اخیر میزان اعتماد عمومی بی‌سوادان و افراد دارای تحصیلات ابتدایی و کسانی که از سطوح عالی تحصیلی برخوردار هستند، نسبت به کسانی که تحصیلات متوسطه و دیپلم دارند بیشتر شده است.

در گروه‌های فعالیتی معمولاً بازنشسته‌ها و شاغلین از میزان اعتماد بیشتری برخوردار هستند؛ ضمن اینکه برخی از

رفع ناامنی، رفع ترافیک، رفع جرم و جنایت و اجرای قانون داشته‌اند و پنداشت‌شان در مورد رفع مشکل بیکاری، رفع گرانی و تورم، رفع فقر، رفع نابرابری و رفع اعتیاد منفی است (یعنی عملکرد دولت را ناموفق می‌دانند).

سفیری و صدفی در پژوهش خود با عنوان فراتحلیل مطالعات و پژوهش‌های جنسیت و سرمایه اجتماعی، به بررسی ۹۵ پژوهش با محوریت سرمایه اجتماعی پرداختند. آنها به روش فراتحلیل کمی با تلفیق یافته‌های آماری و انجام محاسبات جدید نتایج جامعی از این پژوهش‌ها ارائه داده‌اند^[15]. نتایج این فراتحلیل که رابطه بین متغیرهای فردی (جنسیت، وضع تاهل، میزان تحصیلات، وضعیت فعالیت و اشتغال، درآمد، سن و محل تولد) را با سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن (اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی) تبیین می‌کند، به شرح زیر ارائه شده است.

جنسیت، سرمایه اجتماعی مردان (۴۸٪) بیشتر از سرمایه اجتماعی زنان (۱۶٪) بود. اعتماد اجتماعی زنان (۳۱٪) بیشتر از اعتماد اجتماعی مردان (۲۳٪) و مشارکت اجتماعی مردان (۵۵٪) بیشتر از مشارکت اجتماعی زنان (۲۷٪) بود.

تاهل، سرمایه اجتماعی متاهلان (۵۶٪) بیشتر از سرمایه اجتماعی مجردها (۳۳٪) بود. اعتماد اجتماعی متاهلان (۴۳٪) بسیار بیشتر از اعتماد اجتماعی مجردها (۱۴٪) بود و مشارکت اجتماعی متاهلان (۳۸٪) بیشتر از مشارکت اجتماعی مجردها (۲۴٪) بود.

تحصیلات؛ سرمایه اجتماعی افراد با تحصیلات عالی (۶۱٪) بیشتر از سرمایه اجتماعی افراد فاقد تحصیلات عالی (۱۱٪) بود. اعتماد اجتماعی افراد با تحصیلات عالی (۴۸٪) بیشتر از اعتماد اجتماعی افراد فاقد تحصیلات عالی (۳۰٪) بود. مشارکت اجتماعی افراد با تحصیلات عالی (۶۴٪) بسیار بیشتر از مشارکت اجتماعی افراد فاقد تحصیلات عالی (۷٪) بود.

اشتغال، سرمایه اجتماعی شاغلان (۸۰٪) خیلی بیشتر از سرمایه اجتماعی غیرشاغلان (۸٪) بود. اعتماد اجتماعی شاغلان (۵۳٪) خیلی بیشتر از اعتماد اجتماعی غیرشاغلان (۱۰٪) بود. مشارکت اجتماعی شاغلان (۸۳٪) خیلی بیشتر از مشارکت اجتماعی غیرشاغلان (۱٪) بود.

درآمد؛ سرمایه اجتماعی افراد با درآمد بالا (۸۰٪) خیلی بیشتر از سرمایه اجتماعی افراد با درآمد پایین (۱۳٪) بود. اعتماد اجتماعی افراد با درآمد بالا (۲۷٪) برابر اعتماد اجتماعی افراد با درآمد پایین (۲۷٪) بود. مشارکت اجتماعی افراد با درآمد بالا (۲۷٪) برابر اعتماد اجتماعی افراد با درآمد پایین (۲۷٪) بود.

سن؛ سرمایه اجتماعی افراد بزرگسال (۵۰٪) بیشتر از سرمایه اجتماعی افراد جوان (۱۹٪) بود. اعتماد اجتماعی افراد بزرگسال (۴۴٪) بسیار بیشتر از اعتماد اجتماعی افراد جوان (۱۲٪) بود. مشارکت اجتماعی افراد بزرگسال (۳۳٪) بیشتر از مشارکت اجتماعی افراد جوان (۲۷٪) بود.

محل سکونت؛ سرمایه اجتماعی افراد همان محل، شهر (۵۱٪) بیشتر از سرمایه اجتماعی افراد محل دیگر، روستا (۲۲٪) بود. اعتماد اجتماعی افراد همان محل، شهر (۵۱٪) بیشتر از سرمایه اجتماعی افراد محل دیگر، روستا (۲۴٪) بود. مشارکت اجتماعی افراد همان محل، شهر (۴۷٪) بیشتر از مشارکت اجتماعی افراد محل دیگر، روستا (۶٪) بود.

با نگاهی به نتایج سه فراتحلیل فوق که در مجموع بیش از ۱۵۰ مورد از پژوهش‌های سرمایه اجتماعی را دربرمی‌گیرد، می‌توان به کوچک‌تر شدن شعاع اعتماد، پایین بودن تمایل به مشارکت در اداره امور کشور و قوی‌تر بودن سرمایه درون‌گروهی نسبت به سرمایه

قرض‌الحسنه، شرکت‌های بیمه خصوصی (بیمه ایران، آسیا و غیره)، فروشگاه‌های بزرگ (شهروند، رفاه و غیره)، تعاونی‌ها (مصرف، مسکن و غیره)، اداره دارایی، بیمارستان‌های خصوصی، بیمارستان‌های دولتی، سازمان آب و فاضلاب، آژانس‌های مسافربری، شوراهای اسلامی شهر، مطبوعات، مدارس غیرانتفاعی و سازمان امور جوانان، دانشگاه‌های غیرانتفاعی (آزاد)، شهرداری‌ها، اداره کار و امور اجتماعی، احزاب و تشکلهای سیاسی و بانک‌های خصوصی اعتماد پایین و خیلی پایینی را جلب نموده‌اند.

میزان اعتماد به نظام سیاسی (ارکان اصلی و بنیادین نظام) بالا است. میزان اعتماد به نهادهای سیاسی (سه قوه و نهادهای دیگر) متوسط است. میزان اعتماد به کنش‌گران سیاسی (کارگزاران سیاسی) پایین است. در بین نهادهای سیاسی، بیشترین اعتماد به ترتیب به قوه مجریه، مجلس خبرگان، شورای نگهبان و قوه قضاییه و کمترین اعتماد به مجلس است. از نظر پاسخگویان، میزان وظیفه‌شناسی و تخصص کارمندان و مدیران در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی متوسط است؛ اما در مجموع نسبت کسانی که میزان وظیفه‌شناسی و تخصص این افراد را کم می‌دانند بیشتر از کسانی است که میزان وظیفه‌شناسی آنها را بالا برآورد کرده‌اند. از نظر مردم میزان ارزش‌های اخلاقی مثبت در بین مسئولان در حد پایینی قرار دارد. به خصوص میزان امانت‌داری، پایبندی به قانون، صداقت و وفای به عهد خیلی کمتر دانسته شده است. ارزشی که از نظر پاسخگویان در مقایسه با سایر ارزش‌ها بیشتر در مسئولان دیده می‌شود هوشمندی است. از نظر پاسخگویان سه ویژگی منفی قوم و خویش‌گرایی، باندبازی و تبعیض و بی‌عدالتی بیش از همه در بین مسئولان دیده می‌شود.

میزان مشارکت مردم در انجمن‌ها و تشکلهای صنفی در مجموع بسیار پایین است. بالاترین میزان مشارکت مربوط به هیات‌های مذهبی، پایگاه بسیج، انجمن اولیا و مربیان و انجمن‌ها و گروه‌های ورزشی و تفریحی است. میزان مشارکت در تشکلهای احزاب سیاسی در پایین‌ترین حد قرار دارد، اما نرخ مشارکت رسمی سیاسی بالا است. مردم مسأله مشارکت سیاسی را از کم اهمیت‌ترین مسأله جامعه دانسته‌اند. بیش از ۹۵٪ مردم در یکی از فعالیت‌های مذهبی اجتماعی شرکت می‌کنند.

بیشترین میزان رفت‌وآمد با فامیل‌ها و دوستان و آشنایان و کمترین رفت‌وآمد با افراد غیرهمشهری، همشهری‌ها و افراد محله‌ای است. میزان بده‌وپستان افراد با فامیل‌های درجه یک و دو، دوستان و آشنایان و همسایگان بالا است. میزان بده‌وپستان با همکاران و هم‌محله‌ای‌ها متوسط و با دیگران رو به پایین است. در مجموع میزان کمک و بده‌وپستان در جامعه ایران بالا است. میزان ارتباطات در جامعه علمی مطلوب نیست.

میزان مشورت در خانواده‌های ایرانی نسبتاً بالا است. میزان درددل نیز تا حدودی بالا است و اختلاف با اعضای خانواده در بیش از ۶۵٪ خانواده‌ها هیچ‌وقت اتفاق نیفتاده یا به ندرت اتفاق می‌افتد. میزان صمیمیت و امید به دوستان در بین جوانان ایرانی بالا است. مردم بر این باور هستند که میزان تظاهر، کلاهبرداری و نیز میزان تملق و چاپلوسی در جامعه بسیار بالا است. پاسخگویان میزان رواج ارزش‌هایی چون رعایت حقوق دیگران، احساس مسئولیت، وجدان کاری و انضباط اجتماعی را کم ارزیابی کرده‌اند. همچنین پاسخگویان میزان حسادت، ناامیدی، حرص و خودخواهی مردم را زیاد دانسته‌اند. نگرش نسبت به میزان گذشت، امانت‌داری، انصاف، صداقت و پایبندی به قول و قرار در جامعه منفی است. پاسخگویان بیش از همه پنداشت مثبتی از عملکرد نظام در حوزه‌های بهداشت،

چه چیزی جزء آن نیست؛ آنچه اهمیت دارد این است که همه جاهای خالی با داده‌ها پر شوند و اشباع اطلاعات حاصل شود. حتی اینکه پژوهشگر کل یک پژوهش را انتخاب کند یا به قسمتی از آن اکتفا کند نیز به سؤال پژوهش بستگی دارد. محقق باید به گونه‌ای داده‌ها را بررسی کند که به اطلاعات برسد، پس لازم است به جای توجه صرف به خود مفاهیم، به مقوله‌ها و فرآیندهای موجود در پژوهش‌های اولیه توجه شود. با در نظر گرفتن این مفاهیم کوچکتر امکان مقایسه و تفسیر داده‌های پژوهش‌های مختلف بهتر فراهم می‌شود.

هدف از این پژوهش، بررسی فراتحلیلی پژوهش‌های سرمایه اجتماعی در بنیاد شهید و امور ایثارگران ایران بود.

اطلاعات و روش‌ها

پژوهش حاضر به روش فراتحلیل کیفی انجام شد و از دلایل انتخاب این روش می‌توان به متفاوت بودن ویژگی‌های جامعه آماری و نمونه‌های پژوهش‌ها، متفاوت بودن ابعاد و مولفه‌های در نظر گرفته شده برای سرمایه اجتماعی، استفاده از آزمون‌های آماری متفاوت و عدم امکان تجمیع کمی نتایج اشاره کرد.

مفهوم مرکزی این پژوهش سرمایه اجتماعی بود و سعی شد این مفهوم هم به‌عنوان متغیر مستقل و هم به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شود و ارتباط آن با همه متغیرهای مد نظر پژوهشگر ذکر شود. مفاهیم جزئی دیگری که مورد توجه واقع شدند شامل ابعاد و مولفه‌های سرمایه اجتماعی بود که در پژوهش‌های مختلف به شیوه‌های متفاوتی تقسیم‌بندی و بررسی شده‌اند. از جمله این مفاهیم می‌توان به اعتماد اجتماعی، مشارکت، هنجارها و غیره اشاره کرد که در تحلیل پژوهش‌ها با تفصیل بیشتری بررسی شدند. پژوهش‌های انجام شده در بنیاد شهید و امور ایثارگران با موضوع سرمایه اجتماعی هفت مورد است که مشخصات آنها در ذیل آمده و همگی آنها بررسی شدند:

- ۱) *شارع‌پور، محمود*، بررسی سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن بین خانواده‌های شهدای استان مازندران؛ طرح پژوهشی^[20]
- ۲) *بوالحسنی، علی*، سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر مشارکت سیاسی؛ طرح پژوهشی^[21]
- ۳) *حسینی، آرزو*، مقایسه سرمایه اجتماعی خانواده‌های شاهد و ایثارگر با خانواده‌های عادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد^[22]
- ۴) *عرب‌فرد، چنگیز*، مقایسه سرمایه اجتماعی کارکنان بنیاد شهید و امور ایثارگران و کارکنان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد^[23]
- ۵) *شکریبگی، ابوالفضل*، سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر زندگی خانواده‌های شهید شهر کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی^[24]
- ۶) *سبحانی، فاروق*، بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد^[25]
- ۷) *امامی‌کوشا*، نقش سرمایه فکری و سرمایه اجتماعی در عملکرد سازمانی: اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران تهران بزرگ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد^[26]

یافته‌ها

نتایج پژوهش *شارع‌پور* نشان داد که متغیر جنسیت با مولفه‌های اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد خانوادگی، اعتماد به اقوام، اعتماد به دوستان، اعتماد به همسایگان، اعتماد به کنش‌گران علمی و ورزشی و اعتماد به کنش‌گران اقتصادی رابطه معنی‌داری نداشت؛ ولی از لحاظ اعتماد به کنش‌گران دولتی و سیاسی تفاوت

برون‌گروهی اشاره کرد. *پاک‌سرشت* درباره پژوهش‌های ایرانی می‌نویسد، "در ارتباط با میزان سرمایه اجتماعی نتایج پژوهش‌های داخلی حاکی از آن است که وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران مطلوب نیست"^[16].

علی‌رغم شباهت مبانی نظری و فرضیات پژوهش‌ها در علوم انسانی، نتایج آنها ناهماهنگ و گاه متناقض است. هرچند در علوم طبیعی و پزشکی نیز نتایج متفاوت و متناقض وجود دارد، اما تنوع و تعداد آنها در علوم اجتماعی و رفتاری خیلی بیشتر است به طوری که برخی موسسات مالی و ادارات عمومی و دولتی به این نتیجه رسیده‌اند که نتایج پژوهش‌های در علوم رفتاری و اجتماعی آشفته و غیرقابل اتکا است^[17]. توسعه فراتحلیل در اواخر دهه ۱۹۷۰ پاسخی به این بحران بود و به مرور به یک مکمل مهم روش‌های سنتی مرور پژوهش‌ها تبدیل شده است که در آن یافته‌های پژوهش‌های متعددی که در یک حوزه خاص یا در مورد یک مفهوم به‌خصوص انجام شده‌اند با یکدیگر ترکیب شده و تلاش می‌شود با تعیین شباهت‌ها و تفاوت‌های یافته‌ها و نتایج به شناخت روشن‌تری از موضوع دست یافت.

روش فراتحلیل همانند هر روش پژوهش دیگری دارای زیرشاخه‌ها و انواعی است که عمده‌ترین آنها تفکیک روش فراتحلیل کمی و فراتحلیل کیفی است. در فراتحلیل کمی با استفاده از آزمون‌های آماری خاص همبستگی بین متغیرها با اتقان بیشتری محاسبه شده و نتیجه حاصل مورد استناد قرار می‌گیرد، در حالی که روش فراتحلیل کیفی بیشتر به مرور نتایج و استخراج یافته‌های جدید با نظر پژوهشگر می‌پردازد. علی‌رغم دقت و قابلیت اطمینان بیشتر فراتحلیل کمی نسبت به فراتحلیل‌های کیفی، این روش دارای پیش‌فرض‌هایی است که انجام آن را تا حدودی محدود و مشروط می‌سازد. بنابراین، با توجه به اهداف بیان شده پژوهش حاضر، مبنی بر کاربست یافته‌های پژوهشی و محدود بودن تعداد پژوهش‌های موجود، روش فراتحلیل کیفی مناسب به نظر می‌رسید.

طبق تعریف، فراتحلیل کیفی راهی برای بررسی آنچه که دانسته شده و کمک به توسعه این یافته‌ها است. این اصطلاح برای اولین بار توسط *استرن و هاریس* (۱۹۸۵) به کار رفت. داده‌هایی که در این روش تحلیل می‌شوند یافته‌های پژوهش‌های طبیعت‌گرایانه‌ای هستند که قبلاً انجام شده‌اند؛ پژوهشگر معمولاً به اصل اطلاعات مربوط به هر پژوهش دسترسی ندارد زیرا فراتحلیل معمولاً توسط پژوهشگری غیر از محققان پژوهش تحت بررسی، انجام می‌شود. *پاترسون* معتقد است که فرامطالعه شامل یک‌سری از فراتحلیل‌هایی است که در زمان‌های مختلف انجام می‌شوند و به مقایسه و مقابله اطلاعات می‌پردازد. *استابروک* فراتحلیل کیفی را "روی هم‌ریزی یافته‌ها" نامیده و معتقد است که این روش به توسعه نظریه‌های متوسط کمک می‌کند. *اسکریبیر* و همکاران در بیان تفاوت فراتحلیل با "مرور مطالعات" چنین نوشته‌اند که "پژوهش مروری کلاسیک، شامل خلاصه‌ای از سئوال‌ها و یافته‌ها، متغیرها، روش‌ها، نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادات آن پژوهش‌ها است و اگرچه روشی مناسب برای خلاصه‌سازی داده‌ها است، ولی معمولاً به تفسیر داده‌ها نمی‌پردازد یا با هدف آرایه پیشنهاد برای پژوهش‌های بعدی صورت نمی‌گیرد"^[18].

در این روش اینکه چه چیزی را داده تلقی کنیم به فلسفه و جهان بینی ما، هدف پژوهش مخاطبان و محصول نهایی قابل انتظار بستگی دارد. به اعتقاد *جانسون* و *آلن* پاسخ به هدف علمی پژوهش و میدان دید محقق بستگی دارد^[19]. بر این اساس است که پژوهشگر تصمیم می‌گیرد چه چیزی جزء مفهوم مورد نظر است و

۱) در اغلب پژوهش‌های گذشته سطح اعتماد بسیار بالایی بین فرد و اعضای خانواده مشاهده شده است. این میزان اعتماد بین اعضای خانواده‌های شهدا به شدت و قدرت سایر بخش‌های جامعه نیست. این وضعیت می‌تواند ناشی از بروز چالش‌هایی درون نظام خانوادگی باشد که نیاز به مطالعات کیفی در مورد روابط درون خانوادگی در میان خانواده‌های شهدا دارد.

۲) در مورد اعتماد اجتماعی می‌توان گفت که اگرچه سطح اعتماد تعمیم‌یافته در بین پاسخگویان پایین بوده است، به طوری که بیش از ۵۳٪ پاسخگویان، جامعه را قابل اعتماد نمی‌دانستند، با این حال، در مقایسه این یافته با سایر پژوهش‌های انجام شده در ایران می‌توان ادعا کرد که سطح اعتماد اجتماعی خانواده‌های شهدا بالاتر از عموم مردم است.

نتیجه کلی پژوهش *بوالحسینی* نشان داد که میزان تاثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی کمتر از ۱۷٪ بود و بقیه آن تحت تاثیر عوامل دیگری نظیر فرهنگ سیاسی یا هویتی است. هم سرمایه اجتماعی و هم مشارکت سیاسی در جمعیت نمونه در سطح متوسط و پایین‌تر از آن بودند. متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن و تحصیلات) با متغیرهای مذکور رابطه معکوس داشتند؛ یعنی سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان از مردان پایین‌تر بود و با افزایش تحصیلات میزان هر دو متغیر کاهش نشان داد. بالاترین میزان سرمایه اجتماعی در افراد ۴۱-۵۰ سال و کمترین میزان در افراد ۲۱-۳۰ سال دیده شد. میانگین سرمایه اجتماعی بین مجردها کمتر از متاهل‌ها بود [21].

دو مولفه اعتماد بین فردی و اعتماد به بستگان و فامیل درجه یک (۸۱/۲٪) در حد زیاد و خیلی زیاد) در بالاترین سطح بودند، و با اختلاف زیادی بستگان و فامیل درجه دو (۳۸٪) در حد زیاد و خیلی زیاد) قرار داشتند. حد زیاد و خیلی زیاد اعتماد به دوستان و رفقا ۲۹/۵٪، همکاران ۱۵/۸٪ و همسایگان ۱۲/۶٪ اعلام شد که نشان‌دهنده کوچک‌تر شدن شعاع اعتماد نمونه پژوهش بود. میانگین کمی اعتماد بین فردی به ترتیب برابر با ۴/۳۰، ۲/۹۵، ۲/۷۳، ۲/۳۴ و ۲/۱۸ بود.

تاهل با افزایش ارتباطات خانوادگی و کسب تجارب فردی، خانوادگی، معیشتی و اجتماعی نقش مهمی در نگرش و ویژگی‌های روان‌شناختی افراد دارد. به طور میانگین سرمایه اجتماعی در میان مجردها کمتر از متاهل‌ها بود. میزان سرمایه اجتماعی از سطح بی‌سوادی تا فوق‌دیپلم به موازات افزایش سطح تحصیلات کاهش نشان داد و در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد با افزایش همراه بود و دوباره در مقطع دکتری کاهش نشان داد. اعتماد عمومی به موازات افزایش تحصیلات در ابتدا افزایش یافته (ابتدایی و راهنمایی)، سپس کاهش یافت (دیپلم، فوق دیپلم و کارشناسی). اعتماد تعمیم‌یافته به موازات افزایش تحصیلات تا سطح دیپلم کاهش یافته و در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد افزایش نشان داد. بر حسب متغیر وضع اشتغال، شاغلین در بخش دولتی بالاترین میانگین سرمایه اجتماعی و افراد در حال تحصیل پایین‌ترین میانگین را داشتند. شاغلین در بخش خصوصی و بیکاران در رتبه‌های پایین سرمایه اجتماعی قرار داشتند. مادران شهدا و آزادگان بالاترین و دختران شهید پایین‌ترین میانگین سرمایه اجتماعی را دارا بودند.

نتایج پژوهش حسینی نشان داد که سرمایه اجتماعی خانواده‌های شاهد و ایثارگر بیشتر از سرمایه اجتماعی خانواده‌های عادی بود و عضویت گروهی، مشارکت گروهی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، تعامل اجتماعی و کنش‌های یاری‌گرانه در گروه شاهد و ایثارگر

معنی‌داری بین مردان و زنان وجود داشت، بدین ترتیب که زنان بیشتر از مردان به کنش‌گران دولتی و سیاسی اعتماد داشتند. همچنین، از لحاظ احساس امنیت، باور به رعایت هنجارهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تمایل به حمایت از اجتماع و حمایت عملی از اجتماع تفاوت معنی‌داری بین مردان و زنان وجود نداشت [20].

بین متغیر گروه سنی و اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد خانوادگی، اعتماد به دوستان، اعتماد به کنش‌گران دولتی و سیاسی، اعتماد به کنش‌گران علمی و ورزشی رابطه معنی‌داری وجود نداشت، بدین معنی که میزان این مولفه‌ها در بین جوانان و میانسالان مشابه بود؛ اما در مولفه‌های اعتماد به اقوام، اعتماد به همسایگان، اعتماد به کنش‌گران اقتصادی رابطه معنی‌داری وجود داشت، بدین ترتیب که جوانان نسبت به میانسالان اعتماد کمتری به اقوام، همسایگان و کنش‌گران اقتصادی ابراز نمودند. از لحاظ احساس امنیت، باور به رعایت هنجارهای اجتماعی، حمایت عملی از اجتماع، تمایل به حمایت از اجتماع تفاوت معنی‌داری بین جوانان و میانسالان وجود نداشت، به طوری که جوانان و میانسالان دارای احساس امنیت مشابهی بود. از لحاظ سطح مشارکت اجتماعی تفاوت معنی‌داری بین جوانان و میانسالان وجود داشت؛ به عبارت دیگر، سطح مشارکت اجتماعی جوانان به مراتب کمتر از میانسالان بود.

بین متغیر تاهل با اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد خانوادگی، اعتماد به اقوام، اعتماد به دوستان، اعتماد به همسایگان، اعتماد به کنش‌گران دولتی و سیاسی، اعتماد به کنش‌گران علمی و ورزشی، اعتماد به کنش‌گران اقتصادی، رابطه معنی‌داری وجود نداشت. چنان که میزان اعتماد تعمیم‌یافته در بین مجردها و متاهلان مشابه بود. متاهلان کمتر از مجردها دارای احساس امنیت بودند و مجردها کمتر از متاهلان معتقد به رعایت هنجارهای اجتماعی توسط مردم بودند. از لحاظ سطح مشارکت اجتماعی، تمایل به حمایت از اجتماع و حمایت عملی از اجتماع تفاوت معنی‌داری بین مجردان و متاهلان وجود نداشت، به عبارت دیگر سطح مشارکت اجتماعی مجردها و متاهلان تقریباً برابر بود.

در نتیجه‌گیری کلی آن پژوهش بیان شد که سطح مشارکت یا عضویت در انجمن‌ها بین پاسخگویان نسبتاً نازل بوده است. همچنین، سطح اعتماد تعمیم‌یافته بین پاسخگویان اندک بوده است، به طوری که بیش از ۵۳٪ پاسخگویان، جامعه را قابل اعتماد نمی‌دانستند. میزان اعتماد به نهادها و گروه‌های اجتماعی، به خصوص نسبت به کنش‌گران سیاسی، بین پاسخگویان بسیار پایین بود.

یکی از یافته‌های قابل توجه این پژوهش این بود که میزان اعتماد خانوادگی در بین خانواده‌های شهدا از سطح عموم مردم جامعه، پایین‌تر بود؛ در حالی که، در اکثر پژوهش‌های پیشین اعتماد خانوادگی بسیار بالایی مشاهده شده بود، ولی در مورد پاسخگویان پژوهش مذکور، چنین نبوده است.

در بسیاری از ابعاد سرمایه اجتماعی یافته‌های این پژوهش مشابه نتایج پژوهش‌های قبلی انجام شده در ایران است نظیر، سطح پایین اعتماد به جامعه، کاهش سطح روابط اجتماعی با نظام همسایگی و نظام خویشاوندی، سطح نازل اعتماد نهادی به خصوص اعتماد به کنش‌گران سیاسی و دولتی و پایین بودن سطح مشارکت اجتماعی جوانان.

در برخی ابعاد شاهد تفاوت‌هایی بین نتایج پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های صورت گرفته در ایران بودیم. به عنوان مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

معنی‌داری دیده نشد، در حالی که بین گزینه‌های مختلف متغیر وضعیت مالکیت واحد مسکونی گروه عادی از نظر سرمایه اجتماعی تفاوت معنی‌داری دیده شد، به عبارت دیگر نوع مالکیت افراد گروه عادی بر میزان سرمایه اجتماعی آنها تأثیرگذار بوده است.

نتایج کلی پژوهش عرب‌فرد نشان داد که میزان اعتماد به مردم به شکلی یکنواخت در میان کارکنان هر دو دستگاه پایین است (۶۰٪) پاسخگویان معتقد بودند که نمی‌توان به اکثر مردم جامعه اعتماد کرد؛ اما سطح اعتماد خانوادگی در سطح بالایی قرار داشت (۹۶٪) افراد اعتماد زیادی به خانواده خود داشتند. اعتماد به اقوام و خویشان و اعتماد به دوستان در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. پس از آنها، اعتماد به همکاران و در وهله آخر اعتماد به همسایگان قرار داشت که این امر می‌تواند نشان‌دهنده اختلال در شبکه نظام همسایگی باشد. در مجموع، میانگین اعتماد تعمیم‌یافته (۴۵/۷) در حد متوسط رو به پایین بود. وضعیت اعتماد نهادی (۴۶/۶۹) نیز متوسط رو به پایین بود^[23].

میزان شاخص سرمایه اجتماعی ۶۱/۲٪ پاسخگویان در حد متوسط، ۲۶/۷٪ در حد زیاد و ۱۲/۱٪ در حد کم بود؛ و میانگین کل ۵۵/۱ از ۱۰۰ بود که میانگین متوسط رو به بالا محسوب می‌شد. بین سن، تاهل، تحصیلات، سمت (پست شغلی)، میزان درآمد و سرمایه اجتماعی پاسخگویان رابطه معنی‌داری وجود نداشت. فقط بین سابقه کار و سرمایه اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود داشت، بدین معنی که هرچه سابقه کار کارمندان بیشتر باشد، میزان سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد.

در متغیرهای اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد خانوادگی، اعتماد به همکاران اداری، اعتماد نهادی، اعتماد سازمانی، کمک به همکاران اداری، احساس امنیت، و دریافت حمایت از شبکه‌های خویشاوندی، همکاران اداری و دوستان تفاوت معنی‌داری بین کارکنان دو سازمان وجود نداشت. از نظر مشارکت در امور مذهبی و خیریه، ارتباط با همکاران اداری، مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه و اعتماد به شبکه‌های غیررسمی تفاوت معنی‌داری گزارش شد و میانگین این متغیرها در کارکنان بنیاد شهید به مراتب بیشتر از کارکنان وزارت بهداشت بود. در خصوص حمایت دریافتی از خانواده میانگین به‌دست آمده برای کارکنان وزارت بهداشت از کارکنان بنیاد شهید بیشتر بود.

نتایج پژوهش شکرپیگی نشان داد که رابطه بین سرمایه اجتماعی کل با میزان سواد آموذنی‌ها معنی‌دار است (۰/۳۱۷). همچنین این ارتباط در مورد اعتماد اجتماعی (۰/۱۵۲)، مشارکت اجتماعی (۰/۱۳۵)، میزان فعالیت در متن اجتماعی (۰/۲۴۷) معنی‌دار بود؛ ولی در مورد رابطه متغیرهای نظم، صداقت و امانت و دو خرده مقیاس پیوندهای اجتماعی غیررسمی و انسجام اجتماعی با متغیر سواد با اینکه مثبت بودند ولی به میزان معنی‌داری نرسیدند^[24].

در حالت کلی متغیرهای سن، تحصیلات، تاهل، شاغل بودن و درآمد به جز با عنصر اعتماد با سایر عناصر سرمایه اجتماعی اعم از آگاهی و توجه به امور عمومی، مشارکت‌های رسمی و غیررسمی رابطه مستقیم داشتند. مردان در آگاهی و توجه به امور عمومی و مشارکت رسمی نقش بیشتری نسبت به زنان داشتند، در حالی که مشارکت غیررسمی زنان بیشتر بود و در میزان اعتماد تفاوتی بین زن و مرد گزارش نشد.

سبجانی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی خانواده‌های شاهد و ایثارگران شهرستان مریوان پرداخت. وی سرمایه اجتماعی را با ترکیب سه بُعد اعتماد اجتماعی (اعتماد بین شخصی، اعتماد به اصناف و اعتماد به

بالتر بودند. بین سن و میزان سرمایه اجتماعی گروه شاهد و ایثارگر همبستگی بالایی دیده شد؛ اما در گروه عادی چنین نبود. بین جنسیت و تاهل با سرمایه اجتماعی گروه شاهد و ایثارگر همبستگی بالایی مشاهده شد، اما در گروه عادی تفاوت چندانی دیده نشد. بین سطح سواد و سرمایه اجتماعی گروه شاهد و ایثارگر رابطه معکوس وجود داشت، در حالی که در گروه عادی چنین رابطه‌ای دیده نشد^[22].

متغیرهای مصرف رسانه‌ای، مذهب، قومیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و وضعیت شغلی تفاوتی در سرمایه اجتماعی هیچ‌کدام ایجاد نکرد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سرمایه اجتماعی با سن، احساس امنیت و ثبات سکونت مخاطبان همبستگی معنی‌دار و مثبتی وجود داشت و بین سرمایه اجتماعی با درآمد، مصرف رسانه‌ای و پایگاه اقتصادی-اجتماعی مخاطبان همبستگی وجود نداشت.

نتیجه آزمون اسپیرمن بین سرمایه اجتماعی و سواد کل پاسخگویان و سواد گروه شاهد و ایثارگر رابطه معنی‌دار و منفی نشان داد، اما بین سرمایه اجتماعی و سواد گروه عادی رابطه معنی‌داری وجود نداشت. نتایج آزمون T در پژوهش مذکور نشان داد که میانگین سرمایه اجتماعی کل پاسخگویان بر حسب متغیر استان محل تولد تفاوت معنی‌داری داشت به طوری که به طرز معنی‌داری سرمایه اجتماعی گلستانی‌ها بیش از غیرگلستانی‌ها بود، در حالی که میانگین سرمایه اجتماعی کل پاسخگویان بر حسب متغیرهای جنسیت و مذهب تفاوت معنی‌داری نشان نداد.

میانگین سرمایه اجتماعی گروه شاهد و ایثارگر بر حسب متغیر استان، محل تولد و جنسیت تفاوت معنی‌داری نشان داد به طوری که سرمایه اجتماعی گلستانی‌ها به طرز معنی‌داری بیش از غیرگلستانی‌ها و همچنین سرمایه اجتماعی مردها بیشتر از زنان بود در حالی که میانگین سرمایه اجتماعی گروه شاهد و ایثارگر بر حسب متغیر مذهب تفاوت معنی‌داری نشان نداد.

میانگین سرمایه اجتماعی گروه عادی بر حسب متغیرهای جنسیت، مذهب و استان محل تولد تفاوت معنی‌داری را نشان نداد. بین گزینه‌های مختلف متغیر تاهل از نظر سرمایه اجتماعی تفاوتی معنی‌دار دیده نشد. به عبارتی مجرد، تاهل، طلاق یا فوت همسر بر سرمایه اجتماعی افراد تأثیرگذار نبوده است. بین گزینه‌های مختلف متغیر تاهل در گروه شاهد و ایثارگر از نظر سرمایه اجتماعی تفاوت معنی‌داری دیده شد. به عبارتی مجرد، تاهل، طلاق یا فوت همسر بر میزان سرمایه اجتماعی افراد گروه شاهد و ایثارگر تأثیر گذاشته بود، به طوری که همسران شهدا که بدون همسر بودند، دارای بیشترین سرمایه اجتماعی بودند.

بین گزینه‌های مختلف متغیر تاهل در گروه عادی از نظر سرمایه اجتماعی تفاوت معنی‌داری دیده نشد. به عبارتی مجرد، تاهل، طلاق یا فوت همسر بر سرمایه اجتماعی افراد گروه عادی تأثیری نگذاشته بود. بین گزینه‌های مختلف متغیر وضعیت فعالیت از نظر سرمایه اجتماعی در هر دو گروه شاهد و ایثارگر و عادی تفاوت معنی‌داری دیده نشد، به عبارتی نوع شغل افراد پاسخگو بر سرمایه اجتماعی آنها تأثیری نداشت. بین گزینه‌های مختلف متغیر قومیت از نظر سرمایه اجتماعی در هر دو گروه مورد پژوهش تفاوتی معنی‌دار دیده نشد. بین گزینه‌های مختلف متغیر وضعیت مالکیت واحد مسکونی از نظر سرمایه اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود نداشت، به عبارتی نوع مالکیت افراد بر میزان سرمایه اجتماعی آنها تأثیرگذار نبود. بین گزینه‌های مختلف متغیر وضعیت مالکیت واحد مسکونی گروه شاهد و ایثارگر از نظر سرمایه اجتماعی تفاوت

موارد نگرش نسبت به سازمان را با رفتارهای فردی مدیران یکی دانسته و ترکیب نموده بود. لذا نتایج مستخرج از آن اطلاعات چندانی در مورد میزان سرمایه اجتماعی موجود در سازمان یا حتی در مدیران در اختیار نمی‌گذارد [26].

بحث

با نگاهی به مشخصات پژوهش‌های انجام شده و جامعه آماری آنها می‌توان به نکاتی که در ذیل آماده پی‌برد.

۱) تعداد پژوهش‌های انجام شده در حوزه سرمایه اجتماعی جامعه هدف بنیاد ناکافی بود.

۲) رویه مشخص و واحدی برای تعیین مولفه‌های سرمایه اجتماعی وجود نداشته و نمی‌توان قرابت چندانی بین نتایج کمی ایجاد نمود.

۳) همه پژوهش‌ها از روش پژوهش کمی (منحصراً پیمایش) استفاده نموده بودند.

۴) با توجه به پراکندگی جغرافیایی محل‌های پژوهش (مازندران، گلستان، مریوان، کرمانشاه و تهران) و تفاوت‌های فرهنگی بین شرکت‌کنندگان در پژوهش، یافته‌های پژوهش را نمی‌توان به جامعه هدف تعمیم داد.

۵) در دو مورد از پژوهش‌ها فقط کارکنان و مدیران بنیاد بررسی شده بودند و یافته‌های آن کمکی به فهم وضعیت سرمایه اجتماعی جامعه هدف نمی‌کرد؛ هرچند به شناخت بیشتر وضعیت سازمانی بنیاد می‌انجامد.

با این وجود، مرور این پژوهش‌ها نکات ارزنده‌ای را در مورد سرمایه اجتماعی در بنیاد روشن ساخت. با توجه به اینکه جامعه هدف بنیاد بخشی از کل جامعه ایران هستند بنابراین، وضعیت سرمایه اجتماعی آنان مستقل از وضعیت عمومی جامعه نیست و بدیهی است که در بسیاری از مولفه‌ها با ویژگی‌های کلی جامعه همسو باشند. در خصوص آگاهی و اعتماد اجتماعی (فردی، تعمیم‌یافته و انتزاعی) و هنجارها (غیررسمی و عام) داده‌ها حاکی از همسویی نتایج پژوهش‌های بنیاد با پژوهش‌های عمومی بود. همچنین سطح اندک اعتماد به جامعه، کاهش سطح روابط اجتماعی با نظام همسایگی و نظام خویشاوندی، سطح نازل اعتماد نهادی به خصوص اعتماد به کنش‌گران سیاسی و دولتی، و پایین بودن سطح مشارکت اجتماعی جوانان از مولفه‌هایی بود که تفاوت معنی‌داری با جامعه عادی نداشتند.

از سوی دیگر با در نظر گرفتن شرایط خاص افراد و خانواده‌های تحت پوشش بنیاد و حتی کارکنان این نهاد، طبیعی است که در برخی ویژگی‌ها و مولفه‌های سرمایه اجتماعی تفاوت‌هایی وجود داشته باشد. در مورد مشارکت رسمی و اعتماد نهادی (سازمانی) میانگین نمرات جامعه هدف بنیاد بالاتر از سطح عمومی بود. در مورد شبکه‌های ارتباطات و حمایت غیررسمی میانگین نمرات جامعه هدف بنیاد پایین‌تر از سطح عمومی بود. زنان و جانبازان و نوجوانان در جامعه هدف، بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی ناشی از پایین بودن سرمایه اجتماعی قرار دارند.

با توجه به ویژگی‌های خاص سرمایه اجتماعی، هنوز بر سر امکان ایجاد یا تقویت آن و اینکه سازوکار حفظ و ارتقای آن باید از بنیاد اجتماعی و درون روابط اجتماعی (از پایین به بالا) باشد یا توسط دولت‌ها و حاکمان (از بالا به پایین) شکل گیرد توافق و اجماع نظری صورت نگرفته است؛ اما نتایج پژوهش‌های نشان می‌دهد که اقدامات دولت‌ها در سطوح میانی و کلان بر سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است. از این‌رو، برای تقویت سرمایه اجتماعی

نهادهای رسمی)، مشارکت اجتماعی (عضویت انجمنی و میزان فعالیت انجمنی) و ارتباطات (شعاع ارتباطات و انواع ارتباطات) سنجید. در این پژوهش میانگین سرمایه اجتماعی پاسخگویان (۶۴/۰۷) اندکی بالاتر از متوسط (۶۳) به دست آمد. اعتماد اجتماعی و ارتباطات در حد متوسط و مشارکت پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شد [25].

نتایج پژوهش نشان داد که بین تمام ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت و روابط و پیوندها) و کیفیت زندگی در خانواده‌های شاهد و ایثارگر شهرستان مریوان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود داشت. ابعاد سه‌گانه سرمایه اجتماعی در مجموع ۰/۶۵۶ از تغییرات کیفیت زندگی جمعیت نمونه را تبیین کردند و متغیر اعتماد اجتماعی تعیین‌کننده‌ترین عامل بر کیفیت زندگی جامعه مورد پژوهش بود. نکته قابل توجه در مورد پژوهش مذکور این بود که نتایج و یافته‌های آن تنها قابلیت کاربرد در جامعه آماری آن پژوهش را داشت و نمی‌توان آن را به جوامع یا گروه‌های دیگر تعمیم داد؛ به خصوص، در ارتباط با کیفیت زندگی و مولفه‌های آن، که کاملاً تحت تأثیر ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه مورد پژوهش بود.

لامی کوشا در پژوهش خود با عنوان نقش سرمایه فکری و سرمایه اجتماعی در عملکرد سازمانی به بررسی رابطه مولفه‌های سرمایه فکری و سرمایه اجتماعی با عملکرد سازمانی از نگاه مدیران اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران تهران بزرگ پرداخت. وی سرمایه اجتماعی را متشکل از چهار بُعد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در نظر گرفت و برای سنجش آن از پرسش‌نامه تعدیل شده ۴۰ سؤالی استفاده کرد. میانگین سرمایه اجتماعی پاسخگویان اندکی بالاتر از متوسط ارزیابی شد. میانگین نمره پاسخگویان در ابعاد سرمایه اجتماعی به ترتیب، بُعد فرهنگی ۳/۴۹، بُعد اقتصادی ۳/۲۹، بُعد اجتماعی ۱/۹۴ و بُعد سیاسی ۱/۳۹ گزارش شد [26].

نتیجه پژوهش حاکی از آن بود که بین ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی (اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) و عملکرد سازمانی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود داشت؛ اما رابطه بین بُعد اقتصادی سرمایه اجتماعی و عملکرد سازمانی معنی‌دار نبود. بیشترین تأثیر مربوط به بُعد سیاسی بود و پس از آن بُعد اجتماعی قرار داشت. تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد سازمانی بیش از تأثیر سرمایه فکری بود و بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری رابطه مستقیم وجود داشت. تحلیل نهایی پژوهش نشان داد در سازمان، ابعاد اجتماعی و سیاسی سرمایه اجتماعی که نشانگر شاخص‌هایی نظیر اعتماد، روابط متقابل، مشارکت، آگاهی عمومی، اخلاقیات، مسئولیت اجتماعی، امنیت نهادهای عمومی و قانون‌مداری هستند، نسبت به عناصر فرهنگی و اقتصادی سرمایه اجتماعی در وضعیت خوبی نبودند. در این پژوهش از نظرات مدیران سازمان استفاده شده بود. استفاده از نظرات سایر ذی‌نفعان (مخصوصاً جامعه هدف) و مقایسه نظرات از پیشنهاد این پژوهش بود.

لامی کوشا برای ایجاد اعتماد بین کارکنان سازمان راهکارهای زیر را پیشنهاد داد؛ برقراری ارتباطات باز و شفاف، ملاقات مستمر کارکنان با مدیران سطوح مختلف، برنامه نگهداشت کارکنان مستعد، ایجاد تعهد سازمانی از طریق برقراری عدالت در توزیع پاداش‌ها و فرصت‌های پیشرفت، بازخورد مناسب و منصفانه درباره عملکرد شغلی و مشارکت‌دادن افراد در استراتژی‌ها و برنامه‌های سازمان. ابعاد مورد نظر ایشان در چهارچوب ادبیات نظری سرمایه اجتماعی نمی‌گنجد. پرسش‌نامه سرمایه اجتماعی مورد استفاده ایشان سرمایه اجتماعی فرد و سازمان را با یکدیگر ترکیب کرده و در بیشتر

تدوین و قبل از اجرا و آگاهی از تأثیر برنامه‌ها بر زندگی اجتماعی ذی‌نفعان می‌تواند بسیاری از پیامدهای منفی آنها را کاهش دهد. ۲) برخی از طرح‌ها و برنامه‌های بنیاد (که در برخی موارد گریزی از آن نبوده است) به طور ناخواسته باعث بسته‌تر شدن روابط اجتماعی خانواده‌های شاهد و ایثارگران شده است؛ یکی از آفات سرمایه اجتماعی همین روابط بسته و خاص میان گروه‌ها است که با زمینه‌هایی چون خویشاوندسالاری، قوم‌مداری و غیره دچار فرسایش می‌شود. فراهم نمودن امکان برخورد و تعامل اجتماعی با سایر اقشار جامعه و اتکانکردن صرف به پیوندهای حصرگرا و برجسته‌نکردن آنها ضرورت دارد؛ زیرا در این صورت باعث کناره‌نهادن اشتراکات شهروندی مدنی می‌شود که این امر می‌تواند مخرب باشد.

۳) علاوه بر محدود شدن سرمایه برون‌گروهی بخشی از اعضای جامعه هدف بنیاد، تعامل این خانواده‌ها به علت فرسایش اعتماد تعمیم‌یافته و تضعیف روابط همسایگی کاهش یافته است. ایجاد فرصت برای تعامل اجتماعی بیشتر با اعضای خانواده و سایر بستگان از طریق برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و غیره، با شرکت نزدیکان و افراد تأثیرگذار بر زندگی افراد تحت پوشش به خصوص نوجوانان و جوانان می‌تواند به گسترش سرمایه اجتماعی برون‌گروهی کمک نماید.

برای انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که روی سرمایه اجتماعی جامعه هدف بنیاد سعی شود ابعاد آن به طور مجزا مورد سنجش قرار گیرد. به‌عنوان مثال، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شبکه روابط مورد سنجش قرار گیرد. پیشنهاد بعدی این است که قبل از انجام طرح‌های پژوهشی پرسش‌نامه‌ها و ابزارهای مورد استفاده، مورد بررسی و تأیید صاحب نظران و پژوهشگران سرمایه اجتماعی قرار گیرد. از پژوهشگران خواسته شود حتماً نتیجه پژوهش خویش را به صورت مقاله در نشریات علمی-پژوهشی مصوب وزارت علوم منتشر نمایند و خلاصه آن را در جلسه‌ای با حضور مدیران و کارشناسان ذی‌ربط ارائه دهند.

در صورت امکان، با همکاری واحد پژوهش ادارات کل بنیاد شهید استان‌ها، پژوهشی جامع و فراگیر راجع به سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با پرسش‌نامه‌ای واحد به انجام برسد و چگونگی کاربست نتایج آن در اختیار مدیران و تصمیم‌گیران قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی افراد تحت پوشش بنیاد در مولفه‌های آگاهی و اعتماد اجتماعی (فردی، تعمیم‌یافته و انتزاعی) و هنجارها (غیررسمی و عام) با پژوهش‌های عمومی همسو است. همچنین سطح اندک اعتماد به جامعه، کاهش سطح روابط اجتماعی با نظام همسایگی و نظام خویشاوندی، سطح نازل اعتماد نهادی به خصوص اعتماد به کنش‌گران سیاسی و دولتی، و پایین بودن سطح مشارکت اجتماعی جوانان از مولفه‌هایی است که تفاوت قابل توجهی با جامعه عادی ندارد. از سوی دیگر، در مشارکت رسمی و اعتماد نهادی (سازمانی) میانگین نمرات جامعه هدف بنیاد بالاتر از سطح عمومی است و در مورد شبکه‌های ارتباطات و حمایت غیررسمی میانگین نمرات جامعه هدف بنیاد پایین‌تر از سطح عمومی است. زنان و جانبازان و نوجوانان در جامعه هدف، بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی ناشی از پایین بودن سرمایه اجتماعی قرار دارند.

سازوکارهایی ارایه شده است که در صورت اجرایی شدن باعث ارتقای سرمایه اجتماعی کلی جامعه شده و در پی آن جامعه هدف بنیاد نیز تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. شارع‌پور برخی از این راهکارها را برشمرده است^[20] که به طور خلاصه ارایه می‌شوند.

۱) ایجاد و تقویت شبکه‌ها: دیدگاه سرمایه اجتماعی تأکید بر این دارد که طراحی و اجرای برنامه‌های دولتی باید به گونه‌ای باشد که امکان و فرصت تعامل بین گروه‌های مختلف را فراهم آورد تا منابع موجود برای شبکه دارای تنوع باشند. به عبارت دیگر، ایجاد شبکه باید بین گروه‌های مختلف و نه ایجاد شبکه بین اعضای یک گروه متجانس صورت گیرد.

۲) نفوذ به درون شبکه‌های اجتماعی موجود تا بتوان برنامه را اجرا کرد: در برخی مواقع، برنامه‌های دولتی نیاز دارند تا برای نیل به موفقیت، به درون شبکه‌های اجتماعی موجود، نفوذ کرده و وارد شوند. به‌عنوان مثال در حوزه ترویج بهداشت عمومی، تلاش می‌شود تا شخصیت‌های بانفوذ در شبکه‌های اجتماعی شناسایی شوند تا از طریق آنان بر رفتار سایر اعضای شبکه، تأثیر بگذارند.

۳) ایجاد شرایط مطلوب: در برخی مواقع برنامه‌های دولتی برای ایجاد سرمایه اجتماعی بهتر است به جای شبکه به صورت مستقیم به ایجاد شرایط مطلوب بپردازند. برای ایجاد شرایط مطلوب، حداقل دو راه وجود دارد؛ مورد اول ایجاد فرصت و ظرفیت برای تعامل اجتماعی و مورد دوم حمایت از کارگزاران اجتماعی است.

۴) افزایش حساسیت برنامه نسبت به الگوهای موجود سرمایه اجتماعی: هدف از این کار این است که سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران را در مورد اثرات برنامه‌های جدید یا اثرات تغییر جهت در سیاست‌های فعلی بر سرمایه اجتماعی موجود در جامعه، آگاه کند. به عبارت دیگر از لنز سرمایه اجتماعی استفاده شود تا به تأثیر سیاست‌ها بر روابط اجتماعی، بهتر آگاه شویم. با این کار اطمینان پیدا خواهیم کرد که برنامه‌های دولتی سبب نقض غرض نمی‌شوند و پیامدهایی خلاف انتظار پدید نمی‌آورند. گاهی اوقات برخی برنامه‌های دولتی (مثلاً در زمینه حمل‌ونقل یا در زمینه مسکن) سرمایه اجتماعی موجود در اجتماع را از بین برده و یا کاهش می‌دهند و این در حالی است که ممکن است برخی دیگر از برنامه‌های دولتی برای رسیدن به اهداف خود بر استفاده از این سرمایه اجتماعی حساب کرده باشند. به طور کلی هرچقدر طراحان برنامه‌ها از شبکه‌های اجتماعی موجود در جامعه آگاه‌تر باشند، در کار خود برای طراحی بهتر پروژه‌ها موفق‌تر خواهند بود.

با در نظر گرفتن موارد فوق، می‌توان گفت اقدامات و خدمات بنیاد شهید و امور ایثارگران به واسطه ارتباط مستقیم با جانبازان و ایثارگران و اعضای خانواده‌های آنان و نیز خانواده‌های شهدا می‌تواند بر سرمایه اجتماعی آنان تأثیرات مثبت یا منفی داشته باشد. بنابراین، راهکارهایی برای ارتقای سرمایه اجتماعی جامعه هدف بنیاد شهید و امور ایثارگران ارایه می‌شود.

۱) نتایج پژوهش‌های و شواهد اجتماعی حاکی از آن است که بسیاری از اقدامات بنیاد شهید و امور ایثارگران هرچند دارای مبنای حمایتی و سیاست‌گذاری معقول و مبتنی بر شرایط جامعه هدف بنیاد بوده‌اند، اما به طور مستقیم و غیرمستقیم منجر به کاهش برخی ابعاد سرمایه اجتماعی اعضای جامعه هدف خود شده‌اند. از جمله این اقدامات می‌توان به مدارس شاهد، دانشگاه شاهد، شهرک‌های مخصوص خانواده‌های شهدا و ایثارگران و غیره اشاره نمود. نگرستن به طرح‌ها و برنامه‌های متعدد خدماتی، آموزش، فرهنگی و غیره برای جامعه هدف از زاویه سرمایه اجتماعی حین

- in modern sociology. *Ann Rev.* 1998;24:1-24.
- 13- NateqPour M, FirouzAbadi SA. Formation of social capital and meta-analysis of the factors affecting it. *Soc Rev.* 2006;28:160-90.
- 14- Siyahpoush A. Meta-analysis of social capital studies in Iran. *Strateg cult.* 2008;1(3):99-124.
- 15- Safiri K, Sadafi Z. Meta-analysis of gender studies and researches and social capital. *J Appl Soc.* 2013;23(3):37-74.
- 16- PakSeresht S. Considerations and Strategies of Enhancing Social Capital. *Strateg cult.* 2014;7(25):71-104.
- 17- Mehri N. Meta-analysis of poverty in social science research in Iran. *J Soc Res.* 2011;4(11):149-70.
- 18- Entezari A, Mehri N. An introduction to meta-analysis (Looking at the meta-analysis capability in social science research in Iran). Tehran: Jamee shenasan; 2010.
- 19- MohammadPour A. Qualitative research method (Anti-method). 2nd edition. Tehran: Jame'e Shenasan Publications; 2011. [Persian]
- 20- Share'pour M. Study of social capital and its components among martyr families in Mazandaran province. Babolsar: Mazandaran University; 2009. [Report number unknown]. [Persian]
- 21- Bul_Hassani A. Social capital and its impact on political participation. [Place Of publication unknown]: [Publisher unknown]; 2010. [Report number unknown]. [Persian]
- 22- Kamran F, Khoshfar Gh, Hoissini A. A comparative study on the social capital in martyr and veteran families with normal families and its effective factors in Golestan province. *Soc Res.* 2010;3(9):19-43. [Persian]
- 23- Arabfard, Ch. Comparison of the social capital of the staff of the Foundation and the affairs of the veterans and employees of the Ministry of Health and Medical Education [Dissertation]. [Place of Publication unknown]: [publisher unknown]; 2011. [Persian]
- 24- Shokrbeigi, Abolfazl. Social Capital and Its Influence on the Life of Martyrs' Families in Kermanshah [Dissertation]. [Place of Publication unknown]: [publisher unknown]; 2011. [Persian]
- 25- Sobhani, Farogh (1391). Study of the Relationship between Social Capital and Quality of Life [Dissertation]. [Place of Publication unknown]: [publisher unknown]; 2012. [Persian]
- 26- Imami Kosha M. The role of intellectual capital and social capital in organizational performance: General directorate of the Martyr Foundation and the Affaires of the Great Tehran [Dissertation]. Tehran: Islamic Azad University Central Tehran Branch; 2012. [Persian]

تشکر و قدردانی: نویسندگان مقاله از دکتر محمدرضا سروش رییس مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی بنیاد شهید و امور ایثارگران به خاطر همکاری و فراهم نمودن دسترسی به منابع تحقیق تشکر می‌نمایند.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

تعارض منافع: با توجه به مالکیت معنوی مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی بنیاد شهید و امور ایثارگران بر پژوهش‌های انجام شده با حمایت مالی آن مرکز، حفظ منافع نویسندگان پژوهش‌های مورد بررسی رعایت شده است.

منابع مالی: هزینه انجام این پژوهش توسط مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی بنیاد شهید و امور ایثارگران تأمین شده است.

منابع

- 1- Piran P, Mirtaheer M, Shiani M. Conceptual Framework and Conceptualization of Social Capital. *Soc Welf Q.* 2007;6(23):9-44.
- 2- Tajbakhsh K, editor. Social capital: Trust, democracy and development. Khakbaz A, Pooyan H, translators. Tehran: Nashr-e Pazhouhesh-e Shirazeh; 2005.
- 3- Coleman JS. Equality and Achievement in Education. Boudler: Westview Press; 1990.
- 4- Mousavi M, Shiyani M. Social capital and social health, concepts and approaches. Tehran: Agaah Publication; 2015.
- 5- Putnam RD, Leonardi R, Nanetti RY. Making Democracy Work: Civic traditions in modern Italy, Princeton: Princeton University Press; 1993.
- 6- Fukuyama F. The end of the order. Tavassoli GA, translator. Tehran: Jamee-ye Iranian; 2000.
- 7- Rezaei AA, Fathipour A. Social capital, concepts and models of measurement. Tehran: Entesharat-e Farhang va Tamadon; 2013.
- 8- Lin, N. Social Capital: A theory of social structure and action. Cambridge: Cambridge University Press; 2001.
- 9- Akbaritabar AA, Hezarjaribi J. A comparative study on cyber social capital in persian, english and french speaking users of Facebook and Google plus. *Soc Cult Dev Stud.* 2016;5(1):175-204. [Persian]
- 10- Rothstein B. Social traps and the problem of trust. Rahbari L, Sharepour M, Fazeli M, Fatahi S, translators. Tehran: Agah Publication; 2014.
- 11- Narayan D, Cassidy MFA. Dimensional Approach to Measuring Social Capital: Development and validation of a Social Capital Inventory. *Curr Soc.* 2001;49(2):59-102.
- 12- Portes A. Social Capital: Its origins and applications